

# پایان «کار»

زوال نیروی کار و طلوع عصر پسابازار

جرمی ریفکین

ترجمه‌ی حسین مرتضوی

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)



نشر اختران

سرشناسه	: ریفکین، جرمی Rifkin, Jeremy
عنوان و نام پدیدآور	: پایان کار: زوال نیروی کار جهانی و طلوع عصر پسابازار / جرمی ریفکین؛ مترجم حسن مرتضوی
مشخصات نشر	: تهران: اختران، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۴۷۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۰۷-۰۵۴-۱
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا.
یادداشت	: کتابنامه: ص [۴۶۷]، ۴۷۲
موضوع	: بیکاری -- تأثیر تکنولوژی.
موضوع	: بهره‌وری.
موضوع	: آینده‌نگری.
شناسه افزوده	: مرتضوی، حسن، ۱۳۴۰ - ، مترجم.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۰ پ ۳ ر / ۹ HD ۶۳۳۱
رده‌بندی دیویی	: ۱۳۷۰۴۲ / ۳۳۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۷۳۹۷۶۶

عنوان اصلی:

*End of Work: the Decline of the Global Labour Force and the Dawn of the Post-Market Era*

www.ketab.ir



نشر اختران

پایان «کار»

زوال نیروی کار جهانی و طلوع عصر پسابازار

جرمی ریفکین

ترجمه‌ی حسن مرتضوی

طرح جلد: ابراهیم حقیقی

چاپ چهارم ۱۴۰۱

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ چکاد

تهران - کارگر جنوبی - خیابان روانمهر - پلاک ۱۵۲ ط ۱ تلفن: ۶۶۴۱۰۳۲۵ و 090Akhtaran  
 akhtaranbook@yahoo.com - Insta: akhtaranpub - www.akhtaranbook.ir

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۰۷-۰۵۴-۱

همه‌ی حقوق برای نشر اختران محفوظ است

بها: ۱۶۰۰۰۰ تومان

## فهرست

۷. مقدمه رابرت ال. هیل بروئر

۱۱. پیش‌گفتار

### بخش اول: دو چهره تکنولوژی

۱۹. ۱- پایان کار

۳۷. ۲- تکنولوژی تراوشی و واقعیت‌های بازار

۷۷. ۳- پندارهای بهشت تکنولوژیک

### بخش دوم: سومین انقلاب صنعتی

۱۰۱. ۴- عبور از مرزهای تکنولوژی پیشرفته

۱۱۶. ۵- تکنولوژی و تجربه آفر و آمریکن‌ها

۱۳۴. ۶- بحث بزرگ درباره خودکارسازی

۱۴۶. ۷- پسافور دیسم

### بخش سوم: زوال نیروی کار جهانی

۱۷۱. ۸- کشاورزان کمتر

۱۹۹. ۹- کارگران یقه آبی دست‌ها را بالا می‌برند

۲۱۸. ۱۰- آخرین کارگر خدماتی

### بخش چهارم: بهای پیشرفت

۲۵۳. ۱۱- برندگان و بازندگان تکنولوژی پیشرفته

۲۷۷. ۱۲- مجلس ترحیم برای طبقه کارگر

۳۰۱. ۱۳- سرنوشت ملت‌ها

۳۱۵. ۱۴- جهانی خطرناک‌تر

## مقدمه

رابرت ال. هیل برونر<sup>۱</sup>

اقتصاددانان غالباً درباره کار ماشین آلات و اثر آن‌ها بر ما نگران بوده‌اند. از یک طرف ماشین آلات همانا تجسم آن سرمایه‌گذاری است که اقتصاد سرمایه‌داری را به پیش می‌راند و از طرف دیگر، بیتتر اوقات هرگاه ماشینی به کار می‌افتد، کارگری و گاهی بسیاری از کارگران بیکار می‌شوند. اقتصاددانان می‌پذیرند که ماشین آلات جایگزین چند کارگر در گوشه و کنار می‌شود؛ اما سرانجام از این موضوع دفاع می‌کنند که با کاربرد ماشین آلات، بهره‌وری و در نتیجه درآمد ملی به نحو گسترده‌ای افزایش می‌یابد.

اما این درآمد را چه کسی کسب می‌کند؟ در سال ۱۸۱۹، دیوید ریکاردو، اقتصاددان معروف، نوشت که میزان اشتغال تا جایی که بهره مالکانه و سود که از آن‌ها سرمایه‌گذاری جدیدی به جریان می‌افتد کاهش نیابد، هیچ پیامدی برای اقتصاد ندارد. سیموند دو سیسموندی، منتقد معروف سوئسی آن زمان، در پاسخ او چنین نوشت: «واقعاً؟ آیا ثروت همه چیز است و آدمی مطلقاً هیچ چیز؟ عجب! بنابراین در حقیقت دیگر هیچ آرزویی باقی نمی‌ماند جز این که پادشاه که تک و تنها در جزیره زندگی می‌کند، پیوسته چرخی را بچرخاند تا از طریق آدم‌های ماشینی تمام تولید انگلستان انجام شود.»<sup>(۱)</sup>

کتاب روشنگرانه جرمی ریف‌کین<sup>۲</sup> درباره جهانی است که شرکت‌ها جای پادشاهان را گرفته‌اند و چرخی را می‌چرخانند که ماشین‌های خودکار مکانیکی، الکتریکی و الکترونیکی را به حرکت واداشته و برای ملت کالاهای

خدمات فراهم می‌آورند. این پدیده به هیچ‌روی جدید نیست. اگر به تاریخ رابطهٔ انسان با ماشین در ایالات متحده و یا هر کشور مدرن دیگر نگاهی بیفکنیم، خواهیم دید که دویست سال است که فوجی عظیم از کارگران با ترک مشاغلی که تکنولوژی نابود کرده، در جست‌وجوی مشاغل دیگری هستند که همین تکنولوژی ایجاد می‌کند.

هنگامی که پردهٔ این نمایش در آغاز سدهٔ نوزدهم بالا می‌رود، ماشین‌آلات چندانی وجود نداشت. کشاورزی در شمال، جنوب، شرق و غرب پیشهٔ اصلی بود؛ کار زراعت عمدتاً با دست یا با بیل و بیلچه، خیش اسبی، گاری و از این دست انجام می‌شد.

از آن پس اوضاع کم‌کم در اواسط سدهٔ نوزدهم تغییر کرد. «سایروس مک‌کورمیک»<sup>۱</sup> ماشین دروگر و «جان دیر»<sup>۲</sup> خیش فولادی را اختراع کردند و کمی بعد تراکتور پدیدار گردید. نتیجهٔ باگذشت سه‌ربع قرن از سدهٔ نوزدهم، نسبت نیروی کار ملی در کشاورزی از حدود سه‌چهارم کل نیروی کار به نصف تقلیل یافت؛ این نسبت در سال ۱۹۹۰ به یک‌سوم و در سال ۱۹۴۰ به یک‌پنجم رسید و امروزه حدود سه درصد است.

بر سرِ آن‌هایی که ماشین‌آلات جانشین کارشان شد، چه آمد؟ آن‌ها به عرصه‌های جدید دیگری کشانده شدند که تکنولوژی ایجاد کرده بود. در سال ۱۸۱۰ فقط ۷۵،۰۰۰ نفر در «کارگاه‌های» کوچکی کار می‌کردند که چدن خام، الوار ساختمانی و از این قبیل تولید می‌کردند؛ پنجاه سال بعد، بالغ بر ۱،۵۰۰،۰۰۰ نفر، در سال ۱۹۱۰ بالغ بر ۸ میلیون نفر و در سال ۱۹۶۰ دوبرابر این رقم در این کارگاه‌ها کار می‌کردند. اگر بخواهیم این موضوع را بر اساس درصد توضیح دهیم، باید بگوییم که نیروی کار صنعتی با چنان گام‌های شتابانی رشد کرده است که ۳۵ درصد از کل نیروی کار را شامل می‌شود.

اما رشد کارگران صنعتی بی‌نهایت نبود. تکنولوژی نه تنها مشاغل جدیدی را در کارخانه‌های جدید اتومبیل‌سازی، کارخانه‌های تولید وسایل خانگی و

1. Cyrus McCormick

2. John Deere

واحدهای تولید برق فشارقوی پدید آورده بلکه با کاربرد ماشین تراش‌ها، مته‌ها و پرس‌هایی که سرعت خط تولید را افزایش داده‌اند و نیز کاربرد «دستگاه‌های شمارنده» جدید، کار کارگران را ساده‌تر ساخته است. از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ تولید کالاهای ساخته شده از هر قسم جهش صعودی داشت؛ اما تعداد شغل‌هایی که این جریان تولید خلق کرد به نصف کاهش یافت.

نمایش ما تقریباً به پایان رسیده است. در تمام این مدت که نیروی کار به کارخانه وارد و از آن خارج می‌شد بخش سومی پا به عرصه گذاشت که امکانات رو به رشدی را برای استخدام افراد ارائه می‌کرد. این بخش، عرصه‌رو به گسترش مشاغل «خدماتی» بود: معلم‌ها و وکلا، پرستارها و پزشک‌ها، خدمتکاران و پرستارهای بچه، کارمندان دفتری، ماشین‌نویس‌ها، سرایدارها، بازاریاب‌ها. تخمین نسبتاً دقیق تعداد افراد شاغل در بخش «خدمات» در اوایل سده نوزدهم غیرممکن است؛ اما شاید در سال ۱۸۷۰ حدود سه میلیون نفر در شاخه‌های گوناگون این بخش مشغول کار بوده‌اند که در دهه ۱۹۹۰ به حدود ۹۰ میلیون نفر رسیده‌اند. بدین‌سان بخش خدمات و سیاست‌های صرفه‌جویی اقتصادی مانع بیکاری‌های ویران‌ساز شدند.<sup>(۲)</sup>

تکنولوژی همانند کاری که در تولید کرد، در بخش خدمات نیز با یک دست مشاغل جدید آفرید و با دست دیگر مشاغل دیگری را نابود کرد. بخش خدمات با بهره‌گرفتن از ماشین تحریر و تلفن رشد کرد و تحت تأثیر ماشین زیراکس و سفارشات پستی کوچک شد. اما البته رایانه‌ها این نمایش را به اختتام خود نزدیک ساختند و خبر از روزی دادند که شرکت‌ها در جزیره خود بنشینند و در حالی که ماشین‌های خودکار سرکار خود می‌روند، چرخ را بچرخانند.

نوشته جرمی ریف‌کین درباره همین دگرگونی تاریخی است. کتاب او از لحاظ ذکر جزئیات غنی و از نظر ارتباط با زندگی واقعی مجذوب‌کننده است؛ کتاب از حیث دامنه موضوع گسترده است و پیامدهای این دگرگونی را در پهنه تکنولوژی و اثر آن را چه در سطح جهانی و چه در سطح ملی بی‌کم‌وکسر بیان می‌کند. اگر حق با او باشد — و دامنه و عمق پژوهش او حاکی از آن است که حق با

اوست - ما رابطه ماشین آلات و کار را از هم زیستی پرتشنج دویست سال اخیر به چنان رابطه جدیدی تبدیل ساخته‌ایم که درباره شکل‌بندی آن جز آن‌که بگوییم کاملاً با گذشته تفاوت دارد، حرف دیگری برای گفتن نداریم.

ریفکین برخی از تغییرات آشکاری را که با ظهور این روابط بر ما تحمیل می‌شود، کاویده است: به هم ریختگی و سوءکارکردهایی که یقیناً ملازم بی‌اعتنایی آگاهانه به این مسئله است؛ تغییر ساختار الگوهای زندگی کاری که باعث شده سال کاری و مقدار کار روزانه به نحو خیره‌کننده‌ای با دوران «چارلز دیکنز» تفاوت داشته باشد؛ شکل‌گیری بخشی که مشاغل جدیدی را عرضه می‌دارد. توضیح درباره این مسائل را بر عهده ریفکین می‌گذارم.

کتاب حاضر باید مرکز بحثی مستمر و پژوهش‌گرانه در میان مردم گردد. من این کتاب را مقدمه‌ای ناگزیر برای مسئله‌ای می‌دانم که در باقی‌مانده زندگی ما و زندگی کودکانمان، همراهی ما می‌کند.

رابرت ال. هیل برونر، مؤلف کتاب‌ها و مقالات متعددی در زمینه اقتصاد است که از همه جدیدتر کتاب دیدگاه‌هایی درباره آینده است.